



«« پرونده ویژه

# تحلیلی بر روند مذاکرات وین در شرایط جدید



اسفند ماه

۱۴۰۰

## مقدمه

در حالی که به اذعان دیپلمات ها و اکثر حاضران در مذاکرات وین، این مذاکرات به خط پایانی خود و مرحله تصمیم گیری نهایی رسیده، مذاکره کنندگان بدون دستیابی به نتیجه خاصی محل مذاکرات را ترک کرده و به کشورهای خود بازگشته اند. شواهد نشان می دهد مذاکره کنندگان دو طرف در رفت و آمد بین محل مذاکرات و پایتخت هایشان و در تعامل و مشورت با تصمیم گیرندگان سیاست خارجی، تلاش می کنند در فاز نهایی و سرنوشت ساز مذاکرات یعنی **مرحله تصمیم گیری سیاسی**، بهترین تصمیم ممکن را بر پایه منافع ملی کشور هایشان و همچنین متاثر از تحولات جاری از جمله بحران اوکراین اتخاذ کنند. مذاکره کنندگان در وین به ویژه غربی ها تلاش می کنند قبل از غیرممکن شدن همکاری روسیه (با توجه به تحریم های غرب علیه این کشور) و با سوء استفاده از برخی عوامل و متغیرهای بیرونی مثل تنش روسیه با غرب و درخواست های مسکو از آمریکا، شرایط عملیاتی کردن امضای **یک توافق تعجیلی و تحمیلی** را فراهم کنند، اما واقعیت این است که **فارغ از بحث روسیه و درخواست تضمین کتبی این کشور از آمریکا** - که برخی ها در داخل کشور (جریان غربگرا) تلاش کردند آن را گروکشی مسکو در موضوع برجام و نفوذ روسیه در نظام جمهوری اسلامی قلمداد کنند - **موضوعات بحث برانگیز و چالشی مانند میزان و چگونگی رفع تحریم ها و تحقیقات (نظارت پادمانی آژانس) درباره فعالیت هسته ای ایران در برخی سایت های قدیمی تصمیم گیری را برای طرفین سخت و دشوار کرده است.**

## تحلیل کوتاه

اسفند سال گذشته بود که رویترز و وال استریت ژورنال به نقل از منابع دیپلماتیک اعلام کردند که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بازدیدهای خود از دو سایت هسته‌ای اعلام نشده ایران آثاری از مواد رادیواکتیو کشف کرده‌اند. غربی‌ها می‌گویند این دو سایت، یکی بین شهرضا و آباده و دیگری نزدیک تهران واقع شده و به احتمال زیاد ایران حدود دو دهه پیش در آنها فعالیت‌های اعلام نشده هسته‌ای داشته است. از طرفی جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به گونه‌ای است که نه تنها پایبندی ایران به برجام را تأیید نمی‌کند، بلکه تلاش شده نشان داده شود که ایران همچنان به نقض محدودیت‌های هسته‌ای ذیل توافق برجام ادامه می‌دهد. اگرچه برخی گزارش‌ها از روند روبه بهبود گفتگوها بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حکایت دارد، اما همه این اتفاقات را باید در راستای تداوم فشارهای رسانه‌ای و سیاسی و راه اندازی بازی‌های جدید از سوی آمریکایی‌ها باهدف باز گذاشتن درهای فشار و بهانه‌جویی در آینده و گرفتن امتیازات حداکثری و عدم ایفاد حقوق حقه ایران ذیل گزاره دروغین دیپلماسی و تعامل تحلیل و ارزیابی کرد.

در واقع آمریکایی‌ها که با چالش دوگانه تعامل و مهار ایران مواجه شده‌اند، سعی می‌کنند در یک روند ترکیبی از سیاست ترامپ (ادامه و نگهداشت جنبه‌های مهم کارزار فشار حداکثری) و رویکرد به اصطلاح دیپلماتیک و تعاملی دولت بایدن و همچنین بهره‌برداری از شرایط فعلی نظام بین‌الملل (تنش غرب و روسیه)، هم توافقی را با کشورمان حاصل کنند و هم درهای دیپلماسی فشار در آینده را با محوریت بازیگری کنگره و لابی‌عبری - عربی برای توسعه توافق و بهانه‌جویی برای گفتگوهای فرابرجامی در حوزه‌های موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران باز بگذارند. تقریباً همه اندیشکده‌ها و محافل فکری آمریکا در حوزه سیاست خارجی - چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه - متفق‌القول هستند که اگر روند فعلی مذاکرات منجر به اجرایی شدن یک توافق موسوم به «توافق کمتر» (توافق

موقت) که غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را در ازای برخی تحریم‌ها متوقف کند، شود، باز هم ثبات منطقه تضمین نخواهد شد. استدلال آن‌ها این است که هرگونه کاهش تحریم‌ها به روندی برای کمک مالی بیشتر برای متحدان منطقه‌ای و نیابتی ایران در لبنان، یمن، عراق و سوریه تبدیل خواهد شد و برای بسیاری از دولت‌های عربی، فعالیت‌های این گروه‌ها عمیقاً بی‌ثبات‌کننده است و ممکن است واکنش‌هایی را از سوی آنها در بر داشته باشد.

**اندیشکده رند (Rand)** وابسته به سازمان سیا در گزارشی تحلیلی پیرامون روند مذاکرات وین نوشته است: «حتی اگر مذاکرات موفقیت آمیز باشد، محیط پس از توافق می‌تواند بسیار ناپایدارتر از هفت سال پیش (زمان توافق برجام در سال ۲۰۱۵) باشد. نویسنده تصریح می‌کند که موفقیت مذاکرات نمی‌تواند برخی چالش‌ها را مرتفع کند که از آن جمله است:

۱. **جاه‌طلبی‌های بایدن برای دستیابی به یک توافق «طولانی تر و قوی تر» و ایجاد شرایطی مثل سال ۲۰۱۵ که به نظر غیر واقعی می‌رسد، بنابراین صرفاً حفظ محدودیت‌های اصلی مندرج در برجام یک دستاورد خواهد بود.** از طرفی توافق احیا شده ممکن است **توافقی «کوتاه‌تر و ضعیف‌تر»** باشد، که به ادعای نفتالی بنت نخست وزیر اسرائیل ظرف ۲ سال و نیم یا در سال ۲۰۲۵ منقضی می‌شود. در چنین شرایطی، توافق دوباره می‌تواند به طور معناداری پیشرفت هسته‌ای ایران را بیش از ۲ سال و نیم به تعویق بیندازد. **یک توافق احیا شده ممکن است برخی از موضوعات مهم مانند موشک‌ها را که حتی بدون ارتباط با ظرفیت‌های هسته‌ای به خودی خود تبدیل به یک تهدید نظامی وحشتناک شده اند، کنار بگذارد.** اگر توافق هسته‌ای از سال ۲۰۱۵ اجرا می‌شد، شاید امضاکنندگان توافق اکنون می‌توانستند به جای شروع دوباره، بر اساس آن برای رسیدگی به چنین نگرانی‌هایی اقدام نمایند.

۲. غیر ممکن و دشوارتر شدن مهار تنش میان اسرائیل و ایران. حملات اسرائیل به ایران و گروه‌های همسو با ایران در سوریه از سال ۲۰۱۵ گسترش یافته است. اسرائیل پس از آغاز مذاکرات هسته‌ای پس از سال ۲۰۱۲ بر سر یک توافق موقت، حملات خرابکارانه و ترور را متوقف کرده بود. این حملات پس از توافق نهایی ۲۰۱۵ متوقف شد، اما پس از خروج ترامپ، حملات اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران از سر گرفته شد، حتی در آستانه مذاکرات برای احیای توافق در آوریل ۲۰۲۱ این حملات ادامه داشت. اگر اسرائیل معتقد باشد که تجدید توافق به اندازه کافی برنامه ایران را محدود نمی‌کند، این حملات ممکن است ادامه پیدا کند حتی اگر ایران به تعهدات خود عمل کند.

۳. چالش‌سومی وجود دارد که حتی در صورت موفقیت مذاکرات ممکن است پیش بیاید و دیگر فرصتی برای احیای دوباره توافق باقی نگذارد و آن این است: اگر دولت بعدی آمریکا مجدداً از توافق خارج شود، یا اگر ایران به دلیل کافی نبودن تسهیلات اقتصادی ارائه شده، مفاد آن را زیر پا بگذارد، قطعاً توافق دوباره نجات نخواهد یافت. ایران اگر احساس کند که با غیرهسته‌ای شدن منافعش از بین خواهد رفت ممکن است در موضع اعلام شده خود برای باقی ماندن به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای تجدید نظر کند. غرب نیز ممکن است با پرداختن بیش از حد به بحران‌های جهانی و رقابت قدرت‌های بزرگ مسیرش منحرف شود تا بتواند سرمایه سیاسی خود را برای یافتن راهی برای بازگشت به میز مذاکره صرف کند. در چنین اوضاع و احوالی، جامعه بین‌المللی ممکن است وضعیت موجود را بپذیرد که با ایران به عنوان یک کشور در آستانه هسته‌ای مواجه باشد.

## جمع‌بندی

برشمردن چنین نگرانی‌ها و چالش‌هایی مبتنی بر عدم استمرار توافق هسته‌ای در آینده و عدم تاثیر توافق احتمالی بر ثبات و امنیت منطقه نه تنها از سوی اندیشکده رند، بلکه از طرف اندیشکده‌های تاثیرگذار و مهم دیگری همچون «کارنگی»، «شورای آتلانتیک»، «گروه بین‌المللی بحران»، «بنیاد هریتیج» ... و رسانه‌هایی همچون «واشنگتن پست»، «نیویورک تایمز»، «وال استریت ژورنال» و ... به اشکال و بیان‌های گوناگون به این چالش‌ها پرداخته شده است. **گفتنی است عمده انتقاد و چالش این اندیشکده‌ها و رسانه‌ها بر چهار محور عمده مرتبط با اصل توافق برجام استوار است:**

۱. **بندهای غروب هسته‌ای:** از نظر این اندیشکده‌ها، برجام به برنامه هسته‌ای ایران پایان نداده و فقط سرعتش را کم کرده است.
۲. **موشک‌های بالستیک:** عدم تاثیر توافق بر توسعه موشک‌های بالستیک توسط ایران.
۳. **رژیم بازرسی:** محافل اندیشکده‌ای آمریکا می‌گویند برجام اجازه بازرسی‌های «هر زمان و هر مکان» را نمی‌دهد.

**ابعاد نظامی احتمالی:** نخبگان سیاست خارجی آمریکا مستقر در اتاق‌های فکر این کشور این نقد را وارد می‌کنند که به عنوان بخشی از توافق هسته‌ای، ایران قرار بود تمام جنبه‌های نظامی خود در زمینه تسلیحات هسته‌ای را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد تا نظارت بر توافق تسهیل شود که این اتفاق نیفتاده است.